# باب چهل و هفتم

در نهی از نزاع و جدال و ضرب و اختلاف و ما يتکدّر به الانسان

در کتاب مستطاب اقدس از قلم مبارک جاری و نازل قوله تعالی:

"ايّاکم ان تفرّقکم شئونات النّفس و الهوی کونوا کالأصابع فی اليد و الأرکان للبدن کذلک يعظکم قلم الوحی ان انتم من الموقنين." (بند ۵۸)

و در يکی از الواح جمال نازل قوله تعالی:

"حقّ شاهد و گواه است که ضرّی از برای امر اليوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابين احبّاب نبوده و نيست." ( اقتدارات صفحه ٢٢٢)

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"يا عبادی اصلحوا ذات بينکم ثمّ استمعوا ما ينصحکم به القلم الأعلی و لا تتّبعوا جبّارا شقيّا." (بند ۷۰)

و در لوح محمّد حسن تنباکو کوب نازل قوله تعالی:

"سمّ قتّال اختلاف بوده و خواهد بود از حقّ بطلبيد تا اين اختلاف را بائتلاف و اتّحاد مبدّل فرمايد انّه لهو المقتدر القدير."

و نيز در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"لا ترضوا لأحد ما لا ترضونه لأنفسکم اتّقوا اللّه و لا تکوننّ من المتکبّرين کلّکم خلقتم من المآء و ترجعون الی التّراب تفکّروا فی عواقبکم و لا تکوننّ من الظّالمين " (بند ۱۴۸)

و در لوح مواسات ميفرمايند:

"بايد جميع احباب با کمال محبّت و وداد باشند و در اعانت يکديگر کوتاهی ننمايند و معنی مواسات که در کتاب الهی نازل شده اين است که هر يک از مؤمنين سايرين را مثل خود مشاهده نمايند يعنی خود را اعلی نشمرند و اغنيا فقرا را از مال خود محروم ننمايند و آنچه از برای خود از امورات خيريّه اختيار کنند از برای ساير مؤمنين هم همانرا اختيار کنند. اين است معنی مواسات. حدّ مواسات تا اين مقام و تجاوز از اين از شئونات هوائيّه و مشتهيات نفسيّه عند الله مذکور."

و در لوح جناب زين العابدين از قلم قدرت جمالقدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"در اين سنه که هزار و سيصد و شش است بخطّ مظلوم لوحی نازل و در آن اين کلمه عليا از افق اعلی اشراق نموده يا قوم اذکروا العباد بالخير و لا تذکروهم بالسّوء و ما يتکدّر به انفسهم. ذکر سوء هم در اين سنه نهی شده چه که لسان از برای ذکر حقّ است حيف است بغيبت بيالايد و يا بکلماتی تکلّم نمايد که سبب حزن عباد و تکدّر است."

و در لوح امين ميفرمايند قوله تعالی:

"هر امريکه بقدر رأس شعری**[[1]](#footnote-1)** رائحه فساد و نزاع و جدال و يا حزن نفسی از او ادراک شود حزب اللّه بايد از او احتراز نمايند بمثابه**[[2]](#footnote-2)** احتراز از رقشا**[[3]](#footnote-3)** .... باری در هيچ امری از امور اينظهور اعظم شريک فساد نبوده و نيست يشهد بذلک لسانی و قلبی و زبری**[[4]](#footnote-4)** و صحفی و کتبی و الواحی."

و در لوح بشارات ميفرمايند قوله تعالی:

"يا اهل بها شما مشارق محبّت و مطالع عنايت الهی بوده و هستيد لسان را بسبّ و لعن احدی ميالائيد .... سبب حزن مشويد تا چه رسد بفساد و نزاع."

و در لوح دنيا نازل قوله تعالی:

"اين مظلوم حزب اللّه را از فساد و نزاع منع فرمود و باعمال طيّبه طاهره و اخلاق مرضيّه روحانيّه دعوت نمود .... ای اهل عالم فضل اين ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نموديم و آنچه علّت الفت و اتّحاد و اتّفاق است ثبت فرموديم نعيما للعاملين. مکرّر وصيّت نموده و مينمائيم دوستان را که از آنچه رائحه فساد استشمام ميشود اجتناب نمايند بل فرار اختيار کنند."

و در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"من اغتاظ عليکم قابلوه بالرّفق و الّذی زجرکم لا تزجروه دعوه بنفسه و توکّلوا علی اللّه المنتقم العادل القدير." (بند ۱۵۳)

از اين قبيل آيات مبارکات بسيار و در الواح الهيّه مندرج است مراجعه فرمايند.

**تبصره** - در اين مقام اين مطلب را بمناسبت مينگارد که در کتاب اقدس ميفرمايند اگر کسی سر کسی را بشکند يا کسی را بزند بايد ديه جرم از او اخذ شود و تعيين مقادير آن چون در الواح مبارکه الهيّه نازل نشده راجع به بيت العدل اعظم است. حکم مزبور در بند ۵۶ کتاب مستطاب اقدس نازل شده قوله تعالی:

"و امّا الشّجاج**[[5]](#footnote-5)** و الضّرب تختلف احکامهما باختلاف مقاديرهما و حکم الدّيّان لکلّ مقدار دية معيّنة انّه لهو الحاکم العزيز المنيع. لو نشاء نفصّلها بالحقّ وعدا من عندنا انّه لهو الموفي العليم."

1. رأس شعر: سر موئی [↑](#footnote-ref-1)
2. بمثابه: مانند مثل [↑](#footnote-ref-2)
3. رقشا: مار گزنده [↑](#footnote-ref-3)
4. زبر: نوشتجات و کتب [↑](#footnote-ref-4)
5. شجاج: شکستن سر را گويند [↑](#footnote-ref-5)